

# نیازمندیهای قاضی در اسلام

## چگونه تامین می شود

مسأله حقوق قاضی و نحوه ارتزاق او از بیت المال و یا تامین نیازمندیهای او از راه دیگر، از مباحث مهم فقه قضائی اسلام است.

زیرا می دانیم که تامین نیازمندیهای قاضی و برطرف ساختن احتیاجات مالی او، در عمل- کرد و نحوه قضاوت های او بی تاثیر نیست.

کمبودها ممکن است سبب انحراف قاضی از محور حق و گرایش او به مادیات و احیاناً رشوه خواری و... گردد و در نتیجه، حکم و قضاوت بی طرفانه انجام نگیرد، و به سود و زیان طرفی بناحق حکم شود.

در باره رشوه خواری برخی از قضات، داستانهای شیرین و احیاناً ظنز آلود، فراوان دیده می شود که برخی از آنها معلول نیازمادی و عدم تامین مالی قاضی و برخی دیگر ناشی از بی تقوائی و عدم عدالت است که اسلام در هر دو مورد، تاکید فراوان و دقت لازم را، به عمل آورده است. حتی اینکه آیا قاضی می تواند هدایائی بپذیرد یا نه، بحث دقیقی را مطرح می سازد.

می گویند: یکی از متخاصمین آهنگر بود، و برای اینکه قضاوت بشفع او انجام گیرد تیشهی جالبی به قاضی هدیه کرد. غافل از اینکه طرف دیگر هم به همین منظور، نمدی زیبا تقدیم داشته است! در هنگام محاکمه آهنگر احساس کرد که مسیر دعوا و حکم بشفع او پیش

نمی‌رود و یا احتمال اینکه قاضی فراموش کرده باشد، گفت: «جناب قاضی چرا مسامحه می‌فرمائید، تیشه رایه ریشه بزن و کار را تمام کن!»

طرف دیگر که متوجه جریان بود گفت: اگر نمند جلوی برندگی تیشه را نگرفته باشد...! و بدینوسیله هر یک به نحوی قاضی را در جریان هدیه یارشوه های خود، قرار داده و مجدداً یادآور آن شدند.

یا داستان رندی که کوزه عسلی که فقط قسمت بالای آنرا از عسل وزیر آنرا با چیزهای بی ارزش پر ساخته بود و سندی به نفع خود به امضای حاکم گرفته بود، و قاضی پس از خالی کردن، متوجه نیرنگ اوشده و فردای آن روز به او گفت اشتباهی در سند تو است بیاور درست کنم تا دچار اشکال نگردی.

- طرف گفت: قربان اشکال در کوزه عسل هست نه در سند !!

اینک برای روشن تر شدن بحث نحوه ارتزاق قاضی به بررسی می‌نشینیم و می‌گوئیم

که :

۱- اگر امکانات مالی قاضی خوب بود و باسحکوی نیازمندیهای او، باشد و قاضی به عنوان واجب کفائی انجام وظیفه کند، و بر او واجب عینی نباشد، بهتر است که از بیت المال مطالبه حقوق نکند، هر چند هم اگر مطالبه بکند، اشکالی ندارد، چون برای مسلمانان و مصالح آنان کار می‌کند.

ولی اگر پذیرش منصب قضاوت بر قاضی لازم و واجب باشد و امکانات مالی او کفاف نیازهای زندگی را ندهد، و یا قضاوت واجب کفائی باشد ولی امکانات مالی قاضی کفاف ندهد باید دید که اسلام چگونه نیازمندیهای این دو فرد را بر طرف می‌سازد،

در اینجا چند طرح است:

۱- طرفین دعوا حقوق و اجرت او را تامین کنند.

۲- با قرار مالی بامتخاصمین، اقدام به کار و رفع خصومت ... کند. (از باب جعاله

و قرارداد)

۳- گرفتن رشوه از متخاصمین.

۴- پذیرش هدایا و تحفه‌ها.

۵- پذیرش سایر احترامات از قبیل دست بوسی‌ها و احترامات دیگر و خدمات مجانی

.....

۶- تامین حقوق او از بیت المال و بودجه دولت.

گرفتن مال از متخاصمین به عنوان جعاله و قرارداد به اینکجه طوفین دعوا بگویند : هر که میان ما قضاوت بحق کند فلان مبلغ را به او خواهیم داد، جایز نیست و به دلائلی از جمله به روایت صحیح عمار از امام صادق (ع) که آن را حرام و باطل شمرده است. و آنرا در ردیف اجرت برکنه و ارتزاق از درآمد فحشاء و مشروبات الکلی قرار داده است. (۱)

باتوجه به مفهوم این روایت، گرفتن اجرت از متخاصمین نیز حرام می باشد، زیرا هر چند جعاله غیر از اجازه است ولی در اصطلاح عرف عام به هر دو نوع درآمد اجرت گفته می شود. خواه بصورت اجیری باشد، یا بصورت جعاله. و تفاوت این دو نوع قرارداد این است که در اولی، طرف قرارداد مشخص می باشد مثلاً می گوید: فلانی در برابر اجرت معین قضاوت کن ولی در دومی طرف کار کلی است مثلاً می گویند هر کس به دعوی ما رسیدگی کند، این مبلغ را به او می دهیم.

### گرفتن رشوه

رشوه یعنی دریافت هر نوع مالی توسط قاضی برای اینکه قضاوت به نفع صاحب مال کند؛ که این عمل به اتفاق تمام علمای اسلام، حرام است. حتی اگر اصل قضاوت به نفع او حق باشد.

در این باره به آیات و روایات متواتری از جمله به آیات ۱۸۸ سوره بقره و ۶۳ سوره مائده استدلال شده است.

«در اموال یکدیگر به نحو باطل و نامشروع تصرف نکنید و آنرا (به عنوان رشوه) به سوی حکام (وقضات) سرازیر ننمائید تا بدینوسیله قسمتی از اموال مردم را به گناه مصرف نمائید در حالی که شما می دانید. (۲)

۱- والسحت انواع کثیره منها ما اصبت من عمال الولاة ومنها اجور القضاة واجور الفواجرو ثمن الخمر والنبيذ المسکر ص ۳۸ و ۳۷ کتاب القضاء والشهادت. و وسائل الشیعه ج ۱۲ باب ۵ حدیث ۱۲

مال حرام دارای انواع متعددی است از جمله اموالی که از کارمندان ظالمان گرفته می شود و از آن جمله است، حقوق و اجرت قضاوت و اجرت زنهاى بدکاره و اجرت و پول شراب ...

۲- ولا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل و تدلوا بها الى الحکام لتاكلوا فریقاً من اموال الناس بالاثم و انتم تعلمون. ۱۸۸ بقره

«چرا علمای دینی و دانشمندان یهود، ملت یهود را از گشتارگناه و خوردن حرام (رشوه) جلوگیری نمی‌کنند و چه بدکاری است که مرتکب می‌شوند. (۳)

روایات زیادی که رشوه را به منزله کفر به خداوند دانسته است چنانکه «اصبح بن نیاته» از حضرت علی (ع) نقل می‌کند که: «وان اخذ الرشوه فهو مشرك» اگر حاکم رشوه بگیرد، مشرك است. (۴)

و در روایات عمار از امام صادق (ع) آمده است که: الرشاء فی الاحکام فهو کفر بالله العظیم» رشوه خواری در احکام کفر به خداوند بزرگ است. (۵)

در روایت جابر، یسامبر (ص) چنین افرادی را لعنت کرده است و نیز آنحضرت فرموده است که: «لعن الله الراشي والمرتشي» خداوند رشوه خوار و رشوه دهنده را لعنت می‌کند.. (۶)

حتی گرفتن هدایا و تحف برای اینکه جلب توجه قاضی شود تا در محکمه به نفع آنان قضاوت کند. نیز حرام شمرده شده است که بعداً توضیح داده خواهد شد.

زیرا علاوه بر اینکه در اصطلاح عرف و عموم مردم به چنین هدایائی رشوه اطلاق می‌شود بلکه در همان روایت معروفی که اصبح بن نیاته از علی (ع) نقل می‌کند، علی (ع) گرفتن هدیه را بدین منظور خیانت و حرام دانسته است «وان اخذ هدیه کان غلوا». (۷)

و هر چند کلمه رشوه با هدیه تفاوت دارد ولی در عین حال در این گونه موارد، ملاک و نتیجه آنها یکی است. و هر دو برای جلب توجه و کشاندن قاضی در حکم به نفع صاحب مال و هدیه است.

ولی دریافت مال و حقوق از بیت‌المال دولت اسلامی برای امرار معاش در موارد زیادی اشکال ندارد مثلاً اگر قضاوت بر او واجب عینی نباشد، و او هم اموالی برای ارتزاق به میزان کفایت نداشته باشد، در این صورت می‌تواند از بیت‌المال مثل خمس و درآمد انفال و... ارتزاق نماید چون مصارف آنها در مصالح مسلمانان است و مساله قضاوت و رفع خصومت‌ها بین مسلمانان از مهم‌ترین مصالح مسلمانان می‌باشد. و برای حفظ نظام دینی و دنیوی و اجرای حدود و دیات و قوانین اسلام باید نظام قضائی برقرار باشد.

۳- لولاینهاهم الربانیون والاحبار عن قولهم الاثم واکلهم السعت، لبس ماکانوا یصنعون.

۴ ۵ ۶ و ۷- وسائل ج ۱۸ آداب قاضی و فروع کافی ج ۷

طبق نظر فقهای اسلام، اجرت برواجبات حرام است، و بنا بر این قاضی که قضاوت بر او متعین و واجب است نمی‌تواند، اجرت بگیرد ولی بسیاری نیز در این گونه موارد، ارتزاق از بیت‌المال را باکمال احتیاط و دقت لازم بی‌اشکال می‌دانند!

در بحث های قبلی اشاره‌ای داشتیم که امیر مؤمنان علی (ع) به مالک اشتر دستور می‌دهد که درباره قاضی و رافع نیازهای او چنان گشاده دستی کن تا محتاج نباشد که به سوی مردم دست نیاز دراز بکند ۱۱.

« و افسخ له بالبذل ما یزیل علته و تقل معه حاجته الی الناس ... »

(۱) ۹.

و این خود نمونه عالی از استقلال قضائی و اهمیت مقام قاضی در اسلام است که در شماره‌های آینده به‌یاری خداوند در این زمینه و... بحث خواهیم کرد.

۱- نهج البلاغه مکتوب ۵۳ ص ۱۰۰۰

#### بقیه از صفحه ۴۶

پیام حوزه علمیه و رسالت عظیم آن در این عصر حساس و دوران سرنوشت ساز، می‌تواند پیام سازندگی و نشاط، پیام معنویت و جهاد، پیام صلح و صفا و پیام ارشاد و هدایت و روشنگری و پیام مبارزه با جهل و فساد و انانیت گردد.

حوزه‌های علمیه به عنوان میراث انبیاء و پیشوایان معصوم به عنوان تنها یادگار مشعلداران هدایت و ارشاد چراغ هدایت و ارشاد را بدست گیرند و مردم تشنه علم و هدایت را به فیض دیدار حقیقت نائل سازند و این امر بستگی به حدود همت و اراده و شوق و علاقه فضلا و دانشمندان و اساتید و طلاب و دانشجویان و دانش پژوهان این حوزه‌ها دارد تا چه حدودا این مسائل برخورد اساسی و جدی داشته باشند و اراده‌ها و تصمیمات خود را تا چه پایه اندازه گیری و هدف گیری نمایند که دخالت کامل در حدود موفقیت را دارد.

#### بقیه از صفحه ۷۱

باموسس حوزه همکاری صمیمانه داشته است، او یکی از فضیلاى حوزه قم بود، که در سالهای تبعید امام، فعالیت و تلاش مستمری در انجام خدمات اسلامی برعهده داشت و به امور خانواده‌های زندانیان و تبعیدی‌های رژیم گذشته رسیدگی می‌کرد. او علاقه فراوانی به تفسیر و علوم قرآن داشت و اثر جاویدانی از خود در این باره باقی گذاشته است بنام سخن حق... و چند جزء از این تفسیر چاپ شده است، متأسفانه رحلت و شهادت وی مانع از اتمام آن گردید. روانش شاد باد.